



نبرد سرخروشت؛


# در خیابان و حالا میدان

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون  
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران





 [payamenehzat.ir](http://payamenehzat.ir)

 @ [paiamenehzat](https://t.me/paiamenehzat)

## فهرست

۴	پیام اول	شجاعت مردم و عشایر زابیده تحقیر آمریکا در تربیت امامین انقلاب بوده است.
۵	پیام دوم	اتفاقات ۱۴ فروردین صحنه‌هایی برای در هم شکستن تصویرسازی‌های هالیوودی بود.
۶	پیام سوم	مقاومت خودجوش عشایر نشان‌دهنده روحیه بالای مردم ایران برای جنگ زمینی است.
۷	پیام چهارم	حمایت عمومی از حرکت عشایر حاکی از تمایل بالا به نقش‌آفرینی مشابه مردم ایران است.
۸	پیام پنجم	این بعثت مردم نشانه‌ای از اراده خداوند متعال بر پیروزی این ملت است.
۹	پیام ششم	روز سیاه آمریکا، پرهزینه بودن هلی برن نیروی زمینی در مرحله بعد را برای آمریکا نشان داد.
۱۰	پیام هفتم	حوادث ۱۴ فروردین فرصتی برای ارزیابی مواجهه با نیروی هوای آمریکا در عمق خاک ایران بود.
۱۱	پیام هشتم	این حادثه پیش درآمدی برای آمادگی افکار عمومی ایران در جنگ زمینی بود.
۱۲	پیام نهم	علیرغم همه فضا سازی‌های دی‌ماه در مورد قومیت‌ها، این قوم جوهره اصالت خود را نشان داد.
۱۳	پیام دهم	تا رسیدن به پیروزی نهایی، باید از پیوند مردم و مقاومت در جنگ روایت‌ها محافظت کرد.
۱۴	پیام یازدهم	مردم نه در جواب دشمن خارجی، بلکه در رابطه با خط تسلیم داخل نیز حرف آخر را خواهند زد.
۱۵	پیام دوازدهم	اثرات اقتصادی جنگ قابل‌مدیریت و برای آینده کشور بسیار سودمند خواهد بود.
۱۶	پیام سیزدهم	شجاعت ملت ایران برآمده از معنویت و عرفان مردمان این سرزمین است.
۱۷	پیام چهاردهم	ایمان به نصرت الهی، سرچشمه جوشان شجاعت و رمز غلبه بر بحران‌هاست.

## شجاعت مردم و عشایر زاییده تحقیر آمریکا در تربیت امامین انقلاب بوده است.

حضور استعمارگرانه آمریکا در هر کشوری، همراه با تحقیر عمومی ملت‌ها بوده است و ایران نیز طی صدسال گذشته مستثنی از این مداخلات نبوده است. اما آنچه سرنوشت ملت ایران را از سایر ملت‌ها جدا ساخته و آنها را تبدیل به الگویی آرمان بخش برای ملت‌های آزادی‌خواه کرده است، به رابطه



خاصی بازمی‌گردد که در نظام ولایت‌فقیه، میان آحاد مردم با امامین انقلاب برقرار بوده است. امامین انقلاب طی دهه‌های گذشته در تاریخ معاصر ایران، با تدبیر و رهبری خود، مسیر حرکت انقلاب و کشور و زندگی آحاد مردم ایران را به‌نحوی سرپرستی کردند که امروز ایرانیان خود را سلحشورانی می‌یابند که حریف ارتش اول جهان هستند و در برابر آنها احساس کوچک بودن نمی‌کنند. این نترسی و شجاعت که در میان عموم مردم و به‌ویژه عشایر ایران طی جنگ رمضان دیده می‌شود، متکی بر تربیتی است که دهه‌ها امامین انقلاب برای آن تلاش کردند. امامین انقلاب همواره در حوادث مهم، مردم را مخاطب اصلی خود قرار داده‌اند و بار اصلی مسئولیت حرکت انقلاب را بر دوش آنها نهاده‌اند که نشان‌دهنده اعتماد عمیق و قلبی ایشان به مردم بوده است و مردم نیز همواره با اجابت و ولایت‌پذیری ممتاز خود، اثبات کرده‌اند که لایق این جایگاه رفیع هستند. امروز ملت ایران به تبعیت از امامین خود، مسیر انقلاب را با سرعتی بیش از پیش می‌پیماید و شجاعتی مثال‌زدنی در برابر تهدیدها و جنایات آمریکایی-صهیونی نشان می‌دهد که برآمده از تربیت رهبرانش است.

## اتفاقات ۱۴ فروردین صحنه‌هایی برای در هم

### شکستن تصویرسازی‌های هالیوودی بود.



ارتش آمریکا مدت‌ها با صرف هزینه‌های هنگفت و ابزارهای رسانه‌ای تبلیغاتی، تصویری شکست‌ناپذیر از خود در اذهان ساخته بود. این تصویرسازی درباره نیروی هوایی آمریکا دوچندان بود؛ ناوهای هواپیمابر، جنگنده‌های رادارگریز و بمب‌افکن‌های پیشرفته در ابزار رسانه، افسانه‌ای و خطاناپذیر به نمایش درمی‌آمدند؛ اما رویدادهای میدانی این تصویر را به چالش کشیدند. از آغاز جنگ ترکیبی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، پدافند هوایی کشورمان عملکردی بهتر از دوران جنگ ۱۲ روزه از خود نشان داد. این عملکرد در طول درگیری، روندی تدریجی و البته صعودی را طی کرد. هر روز سامانه‌های پدافندی هماهنگ‌تر و مؤثرتر عمل می‌نمودند. نقطه عطف این روند در تاریخ ۱۴ فروردین رقم خورد. در آن روز، پدافند هوایی ایران توانست چند فروند جنگنده پیشرفته، هلیکوپترهای تهاجمی و سایر هواگردهای

آمریکایی را بر فراز آسمان ایران سرنگون کند. افزون بر سقوط این تجهیزات، مفقود شدن خلبانان آمریکایی در خاک ایران رخ داد. این اتفاق ضربه‌ای روحی و رسانه‌ای به ارتش آمریکا وارد ساخت.

مجموع اتفاقات ۱۴ فروردین، رسماً تصویرسازی هالیوودی از قدرت بی‌نقص آمریکا را به چالش کشید. اقدامات رسانه‌ای و تبلیغاتی که نیروی هوایی آمریکا را تسخیرناپذیر نشان می‌دادند، با واقعیت میدان در تضاد کامل قرار گرفتند. آنچه در آسمان ایران روی داد، ثابت کرد پیشرفته‌ترین ماشین جنگی جهان آن‌چنان که رسانه‌ها ساخته بودند نیست و می‌تواند در برابر پدافند مصمم یک کشور آسیب‌پذیر باشد و اسطوره شکست‌ناپذیری نیروی هوایی آمریکا فروبریزد. ۱۴ فروردین روزی بود که صحنه‌های واقعی جنگ، جایگزین جلوه‌های ویژه هالیوودی و رسانه‌ای شد. این روز نقطه عطفی در تاریخ رویارویی‌های نظامی محسوب می‌شود.



## حمایت عمومی از حرکت عشایر حاکی از تمایل بالا به نقش آفرینی مشابه مردم ایران است.



در بسیاری از شرایط بحرانی، واکنش های مردمی نقش مهمی در شکل گیری انسجام ملی و تقویت روحیه جمعی ایفا می کند. هنگامی که یک حادثه امنیتی مثل ۱۴ فروردین در مناطق مرزی یا دیگر مناطق کشورمان ایران رخ می دهد، گروه هایی که در مجاورت میدان رویداد قرار دارند معمولاً زودتر از دیگران وارد عمل می شوند و واکنش آن ها می تواند بازتاب گسترده ای در افکار عمومی داشته باشد. در جوامعی که ساختارهای محلی منسجم و فرهنگ همکاری عمیق دارند، مانند مناطق مرزی و عشایر غیور، حضور و مشارکت در چنین موقعیت هایی اغلب سریع، پرانرژی و همراه با حس مسئولیت اجتماعی است. وقتی یک رویداد ناگهانی مانند سقوط خلبان دشمن باعث برانگیختن حساسیت های امنیتی و ملی می شود، تلاش

جمعی مردم آن منطقه برای کنترل اوضاع یا کمک به نیروهای نظامی، توجه دیگر بخش های جامعه را نیز جلب می کند. بازتاب گسترده چنین حرکت هایی معمولاً ناشی از این است که سایر گروه های اجتماعی نیز تمایل دارند در صورت قرارگرفتن در موقعیت مشابه، نقش خود را در حمایت از کشور ایفا کنند. این واکنش ها نشانه ای از حس مشترک تعلق، مسئولیت پذیری و مشارکت مردمی در حفظ امنیت ملی است.

اقدام همدلانه و سازمان یافته گروه های محلی از جمله عشایر منطقه جنوب غرب در جست و جوی همکاری و کوشش برای پیدا کردن خلبان دشمن، پیام مهمی به جامعه منتقل می کند: این که ظرفیت مشارکت مردمی در سراسر کشور گسترده است و هر بخش از جامعه می تواند در موقعیت مناسب نقش آفرینی مؤثر داشته باشد. بازتاب مثبت عمومی این گونه اقدامات نشان دهنده آن است که مردم، فارغ از تفاوت های فرهنگی یا جغرافیایی، با چنین روحیه ای احساس نزدیکی می کنند و آن را نماینده روح جمعی خود می دانند. در مجموع، حمایت افکار عمومی از مشارکت فعال عشایر بختیاری در اتفاق ۱۴ فروردین، نشان دهنده اشتیاق گسترده جامعه برای ایفای نقش سازنده در لحظات سرنوشت ساز و حفظ انسجام ملی است.

## این بعثت مردم نشانه‌ای از اراده خداوند متعال بر پیروزی این ملت است.

امروز ملت سلحشور ایران خیابان‌های کشور را به تسخیر خود درآورده‌اند و ندای مقاومت تا پای جان را در سراسر جهان طنین‌انداز کرده‌اند. اینکه رهبر شهید انقلاب پیش از شهادتشان فرموده بودند؛ «چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابله با حوادث، و کار را مردم تمام خواهند کرد»، نشان می‌دهد



که رهبر انقلاب، حادثه‌ای سرنوشت‌ساز را در برابر ملت ایران می‌دیدند و مثل همیشه، مردم را تعیین‌کننده سرنوشت آن می‌دانستند و حالا که جنگ با آمریکا و رژیم صهیونیستی رقم خورده و حادثه‌ای بزرگ در سطح منطقه و جهان ایجاد شده است و ملت ایران در این حادثه به بعثت رسیده است، باید نوید فتحی قریب را سرداد. در واقع تفسیر بعثت ملت به انضمام آنچه رهبر شهید انقلاب درباره مردم فرمودند که آنها کار را تمام خواهند کرد نشان می‌دهد که اساساً بعثت ملت، بعثتی است برای فتح و پیروزی ملت ایران؛ بنابراین مردم ایران امروز یکپارچه در حال مقاومت هستند تا لبیک‌گویان به بعثت خویش، رسالت خود را در فتح و پیروزی جریان حق را ایفا کنند و به این پیروزی دست یابند. این مقاومت از تقدیم شهدا و جانبازان آغاز می‌شود و تا حضور در خیابان‌ها تداوم پیدا می‌کند. در این میان فارغ از نیروهای نظامی جان فشان کشور، جامعه پزشکی، امدادگران، بسیجیان، دانشجویان و حوزویان فعال در صحنه، هرکدام به‌نحوی در حال کنشگری و مقاومت هستند تا ابعاد این بعثت را به گونه‌ای همه‌جانبه محقق سازند و رسالت خویش را به سرانجام رسانند تا فتح الهی نمایان گردد.

## روز سیاه هوایی آمریکا، پرهزینه بودن هلی برن نیروی زمینی در مرحله بعد را برای آمریکا نشان داد.



در روز سیاه هوایی آمریکا اصابت به جنگنده‌های متنوعش اعم از F15، A10، و حتی چند بالگرد، دروغ‌های مقامات آمریکا از ترامپ و وزیر جنگ او مبنی بر نابودی پدافند ایران را آفتابی کرد. پدافندی که گفته شده بود از بین رفته، چندین هواگرد آمریکایی سرنشین‌دار را یا کامل نابود کرد یا دچار تخریب جدی نمود. پیام واضح چنین توان پدافندی برای آمریکا آن است که نمی‌تواند به راحتی فرض کند می‌تواند با استفاده از بالگردها نیرو پیاده کند یا هلی برن نماید یا حتی با استفاده از هواپیماهای مناسب سرکوب نیروی زمینی، یک زمین سوخته و بی‌دفاع را به نیروهای زمینی‌اش برای پیشروی و عملیات تحویل دهد. به‌ویژه ضربه به هواپیمای A10 که مناسب چنین مأموریتی است و آمریکا با همین غرض تعداد قابل توجهی از آن‌ها

را به منطقه آورده است، بمباران از ارتفاع پست و بعد پیاده‌سازی نیرو را به یک سودای خام و نه یک تاکتیک نظامی مؤثر فروکاست.

ضربه‌پذیری بالگردها آن چنان که خود دشمن اعتراف کرده بود که با سلاح‌های سبک انجام گرفته است، نشان دیگری از سهل‌گیری چنین نقشه‌هایی تا سرحد بی‌مبالاتی است. همان بی‌مبالاتی که مخالفت ژنرال‌های پنتاگون را به همراه داشت؛ اما با سرکوب سیاسی ترامپ و هگست مواجه شد و در عمل طراحی نظامی به سودای سیاسی و توهم صهیونی باخته است.

بعد سوم علاوه بر دو ضلع قبلی (آسیب‌پذیری هواپیماهای A10 و آسیب‌پذیری بالگردها) در روز سیاه هوایی آمریکا، در جست‌وجوی طولانی‌مدت برای یافتن خلبان‌های آمریکایی، خود را نشان داد. ساعت‌های طولانی جست‌وجو نشان داد که وسایل فناورانه پیشرفته آمریکایی ضرورتاً نمی‌تواند بر پیچیدگی عوارض زمین گسترده ایران مسلط شود یا به راحتی بافت مردمی و مقاومش را کنار بزند. حضور مردم مقاوم در کنار زمین پیچیده باعث دشواری فراوان آمریکایی‌ها و در عمل صدمه جدی به هواگردها و عملیات نجات خلبان شد. همه این‌ها مثال و آزمونی بود برای اثبات پرهزینه بودن هرگونه عملیات زمینی دشمن.

## حوادث ۱۴ فروردین فرصتی برای ارزیابی و تمرین مواجهه با نیروی هواپرد آمریکا در عمق خاک ایران بود.

حادثه ۱۴ فروردین مبنی بر هدف قرارگرفتن جنگنده آمریکا و فرود خلبانان دشمن در داخل خاک کشور باعث شد نیروهای آمریکایی مجبور به ورود زمینی و هلی برن نیرو در عمق سرزمینی ایران کنند. این اقدام، فرصتی برای نیروهای مسلح ما بود برای تمرین نوع مواجهه با این دست از اقدامات نظامی دشمن. شیوه مقابله مردم با این اقدام دشمن و تصاویر و فیلم‌هایی



که از واکنش‌های مردمی منتشر شد واجد دلالت‌های بسیار خوبی برای تصمیم‌گیران و کارشناسان کشور بود. ورود خودجوش مردم بومی و تلاش آنها برای سرنگونی بالگردهای متجاوز، نشان‌دهنده توان جامعه برای سازماندهی سریع بدون نیاز به ساختار رسمی در مقابل تهدیدات بود که می‌توان با تمهیدات خوبی همچون بسیج محلی و عشایری و تسلیح آنها به سلاح‌های خاص همچون دوش‌پرتاب‌های ضد هواگرد و حتی تجهیزات مقابله با نیروی نظامی، یک شبکه یکپارچه مردمی در مقابل دشمن متجاوز ایجاد کرد که بدنه بومی و تسلط کامل آن بر جغرافیای منطقه و عرق ملی آن برای دفاع از سرزمین و خانه خود، می‌تواند شکل‌دهنده یک نیروی عظیم مستقل از نیروهای رسمی نظامی و امنیتی کشور برای مقابله با دشمن باشد. علاوه بر ظرفیت‌های نظامی، ظرفیت‌های دیگری همچون اطلاعاتی و امنیتی نیز در بدنه مردمی به خوبی وجود دارد که می‌تواند به راحتی و به سرعت فعال و استفاده شود. مشارکت فعال مردم در این حوزه‌ها می‌تواند محیط عملیاتی را برای نیروهای خارجی بسیار پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی کند که نتیجه آن، در مرحله اول ایجاد بازدارندگی و در ادامه، تقویت قابل توجه قدرت نظامی و امنیتی کشور است.

## این حادثه پیش درآمدی برای آمادگی افکار عمومی

### ایران در جنگ زمینی بود.



به اذعان بخشی از کارشناسان، جنگ ایران و آمریکا وارد مراحل نهایی و تعیین کننده خود شده است. یکی از سناریوهای محتمل، ورود زمینی و هلی برن نیروهای متجاوز آمریکا در برخی نقاط کشور است. اقدام آمریکا برای نجات خلبانان مفقود شده خود در خاک ایران، نمونه‌ای کوچک از تجاوز زمینی به خاک ایران بود که واکنش خودجوش مردم در برابر آن، صرف نظر از ابعاد

عملیاتی، برای افکار عمومی جامعه ایران حامل دلالت‌های متعددی است. این حادثه استبعاد ورود زمینی دشمن در عمق خاک ایران را در افکار عمومی از بین برد و از طرفی تابوی ترس شکل گرفته از آن را درهم شکست. حضور کم‌تعداد و آسیب‌پذیر نیروهای آمریکایی و جسارت مردم در هدف قرار دادن آنها، تصور هالیوودی از قدرت آمریکا در ذهن برخی مردم را تغییر داد.

چنین رخدادهایی معمولاً به تقویت انسجام اجتماعی و افزایش هویت جمعی جامعه منجر می‌شود، زیرا تجربه تهدید مشترک، شکاف‌های پراکنده بین مردم را کاهش داده و نوعی هم‌گرایی روانی و نمادین میان آنها ایجاد می‌کند. در همین بستر، سرمایه اجتماعی کشور نیز افزایش می‌یابد، زیرا اعتماد میان افراد و آمادگی برای همکاری اجتماعی در لحظه بحران برجسته می‌شود.

تجربه مقابله با دشمن در خاک کشور توانست برداشت افکار عمومی از ماهیت امنیت ملی را تغییر دهد و آن را از یک مفهوم انتزاعی و ذهنی، به پدیده‌ای ملموس برای مردم تبدیل کند و موجب افزایش حساسیت آنها نسبت به تهدید خارجی، درک دقیق‌تر از پیچیدگی محیط امنیتی و توجه بیشتر به نقاط قوت و ضعف داخلی شود. مردم پس از مواجهه با چنین رخدادهایی، تصویری واقع‌بینانه‌تر از سطح آسیب‌پذیری و توانمندی‌های جامعه خود به دست می‌آورند. شاهد آن نیز مطالباتی نظیر لزوم بسیج و تسلیح عمومی مردم است که پس از این رخداد شکل گرفت. در حوزه ارتباطات، توجه به منابع معتبر خبری و اتکای بیشتر به شبکه‌های ارتباط غیررسمی محلی پررنگ شد. در این‌گونه موارد، شبکه‌های اجتماعی نیز به بستری برای شکل‌گیری روایت مشترک تبدیل می‌شوند.

این اتفاق در افکار عمومی مردم، احساس کارآمدی جمعی و کاهش حس انفعال و بیگانگی از میدان جنگ و جهاد را در پی داشت و اگر این تجربه در حافظه اجتماعی تثبیت شود، به صورت یک الگوی پایدار واکنش جمعی در رخدادهای آینده نیز بازتولید خواهد شد و زمینه مقابله همه‌جانبه با اقدامات این چنینی دشمن را فراهم خواهد کرد.

## علیرغم همه فضا سازی های دی ماه در مورد بخشی از قومیت ها، این قوم جوهره اصالت خود را نشان داد.

در التهابات دی ماه ۱۴۰۴، بخشی از استان های لرنشین درگیر حواشی و ناآرامی هایی شد. دشمنان ایران در رسانه های معاند چنان بازنمایی کردند که انگار قوم لر از میهن و نظام جمهوری اسلامی دست شسته و دست در دست آمریکا و اسرائیل گذاشته است.



این فضا سازی گسترده، تلاشی برای تخریب هویت یک قوم اصیل ایرانی

بود. اما وقایع ۱۴ فروردین ۱۴۰۵ و رویارویی مردمی در استان های لرنشین با متجاوزان آمریکایی، نشان داد که اصالت قوم ایرانی لر ریشه دارتر از آن است که در رسانه ها بازنمایی منفی می شد. هنگامی که هواگردهای آمریکایی حریم ایران را نقض کردند، مردم عادی این مناطق با سلاح های ساده به سمت دشمن تیراندازی کردند. این صحنه ها، تصویرسازی چند ماه قبل از این قوم را به کلی دگرگون ساخت.

همچنین بسیج گسترده عشایر لر و مردم عادی آن مناطق برای یافتن خلبان مفقود شده، صحنه های ویژه ای از وطن پرستی و احساس مسئولیت این قوم خلق کرد این حرکت خودجوش مردمی در عرض چند روز، آن تصویرسازی سیاه دی ماه به کلی دگرگون کرده و جوهره واقعی قوم لر - وفاداری عمیق به خاک، میهن و نظام - را آشکار ساخت. دشمن فهمید که قوم ایرانی لر، برخلاف همه فضا سازی ها، ریشه ای بسیار عمیق تر از آن دارد که با چند خبر جعلی از مسیر اصالت خود منحرف شود.

## تا رسیدن به پیروزی نهایی، باید از پیوند مردم و مقاومت در جنگ روایت ها محافظت کرد.



Hosamoddin Ashena احسان الدین آشنا  
@hesamodint

Show translation

تند نرویم.

هیجان تزریق نکنیم.

خیابان را گروگان نگیریم.

بدون اطلاع سخن نگوئیم.

احتمالات دیگر را هم بررسی کنیم.

چیزی نگوئیم که بعدا شرمنده آن شویم.

به شهید لاریجانی مهر پرتاب نکنیم.

5:30 · 04 Apr 26 · 1,307 Views

در شرایطی که تهدیدهای بیرونی در قالب حملات سخت به کشور ظاهر شده، خط دوم نبرد نیز در ذهن و قلب مردم فعال شده است. تجربه های تاریخی نشان داده است که هیچ مقاومتی بدون اتکای مردمی پایدار نمانده و هیچ کنشی در میدان جنگ نمی تواند از مردم جدا بماند. حال که پشتوانه روانی و اجتماعی میدان، در خیابان و در فضای عمومی جامعه ریشه دوانده و مردانی که در میدان ایستاده اند، از باور مردمی که شجاعانه

در خیابان ها و میدان ها پشتیبان معنوی آنان هستند، نیرو می گیرند، نباید اجازه داد خط روایت وادادگان داخلی با ماشین جنگی متجاوزان خارجی هم نوا و هماهنگ شود. آنان با تردیدافکنی، تحریف واقعیت و القای بی حاصلی مقاومت، می کوشند تا رشته پیوند میدان و مردم را فرسوده کنند و برای این کار از حملات دشمن استفاده می کنند.

وظیفه نخبگان، رسانه ها و کنشگران اجتماعی در این مرحله حیاتی است. باید روایت اصیل میدان در ایستادگی، عزت و عقلانیت در برابر تجاوز را بازگو کنند. همان قدر که میدان جنگ نیازمند تاکتیک و هوش عملیاتی است، خیابان نیز نیازمند بسیج آگاهی و هوش فرهنگی است. اگر ذهن مردم تسخیر شود، پشت جبهه فرو می ریزد؛ اما اگر مردم حقیقت را درک کنند، هیچ هجوم خارجی توان فروپاشی این پشتوانه مردمی را ندارد.

اکنون زمان آن است که صاحبان نفوذ در جامعه، با گفتار، قلم و حضور اثرگذار خود، این پیوند را مستحکم کنند؛ زیرا بقا و ثبات میدان، در گرو تپش اراده مردم در خیابان است.

## مردم نه در جواب دشمن خارجی، بلکه در رابطه با خط تسلیم داخل نیز حرف آخر را خواهند زد.

قدرت ملی در زمانه جنگ، فراتر از ابزارهای سخت‌افزاری، ریشه در «انسجام ساختاری» میان بدنه اجتماعی و نیروهای نظامی دارد. در شرایطی که یک جامعه با جنگ بیرونی و فشارهای فزاینده مواجه می‌شود، خیابان به عرصه‌ای برای بازتولید قدرت و مشروعیت مبارزات نیروهای نظامی بدل می‌گردد. در این وضعیت، توده‌های مردم به‌عنوان «متغیر



تعیین‌کننده»، نقشی حیاتی در موازنه قوا و پیروزی در جنگ ایفا می‌کنند.

واقعیت این است که در میانه جنگ فعلی، جامعه هم‌زمان با دو جبهه حمله متجاوز خارجی که هدفش فروپاشی زیرساخت‌های مادی است؛ و «گفتمان انفعال» در لایه‌های داخلی که با تردیدافکنی در ضرورت ایستادگی، به‌دنبال فروپاشی زیرساخت‌های معنایی و روانی جامعه است، درگیر است. از میان این دو، خطر گفتمان انفعال بیشتر از تهاجم خارجی است؛ چرا که با تضعیف «اراده جمعی»، باعث گسست میان «مردم» و «نیروهای مدافع» می‌شود.

هرگاه پیوند ارگانیک میان آرمان‌های میدان و باورهای مردم در خیابان حفظ شود، عاملیت جمعی به‌مثابه یک نیروی پیشران عمل می‌کند. مردم در این جایگاه، نه تنها پاسخ‌نهایی را به فشار خارجی می‌دهند، بلکه با حضور هوشمندانه خود، فضای حیاتی را از گفتمان‌های تسلیم‌طلبانه سلب می‌کنند. در واقع، حضور آگاهانه مردم در صحنه، نوعی «خودتنظیم‌گری اجتماعی» ایجاد می‌کند که اجازه نمی‌دهد روایت‌های وادادگی به هژمونی تبدیل شوند.

اگر اراده عمومی بر ایستادگی استوار بماند، هرگونه تلاش برای ایجاد رخنه در صفوف داخلی با بن‌بست مواجه خواهد شد. در نهایت، این مردم هستند که با تشخیص دقیق مصالح کلان، صحنه را از آشفتگی روایی پاک‌سازی کرده و با تثبیت پیوند خود با میدان، راه را بر هرگونه عقب‌نشینی تحمیلی می‌بندند. بقای راهبردی، پیش از هر چیز، محصول حضور آگاهانه اراده مردم در متن جامعه است.

## اثرات اقتصادی جنگ قابل مدیریت و برای آینده کشور بسیار سودمند خواهد بود.

در شرایطی که یک جامعه با جنگ راهبردی روبه‌رو می‌شود، یکی از نخستین میدان‌های نبرد، عرصه ادراک عمومی درباره پیامدهای اقتصادی آن جنگ است. در چنین موقعیت‌هایی، برجسته‌سازی مخاطرات معیشتی و بزرگ‌نمایی هزینه‌های اقتصادی، به ابزاری برای شکل‌دهی به افکار عمومی تبدیل می‌شود. درحالی‌که تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد اقتصاد در بسیاری از جنگ‌های بزرگ، اگرچه با فشار و اختلال روبه‌رو می‌شود، اما لزوماً تعیین‌کننده نهایی مسیر تحولات نیست.

نگاه صرفاً کوتاه‌مدت به مسائل اقتصادی می‌تواند جامعه را در برابر تصمیم‌های راهبردی دچار تردید کند. هنگامی که هزینه‌های فوری برجسته می‌شوند و پیامدهای بلندمدت نادیده گرفته می‌شوند، نوعی خطای محاسباتی در افکار عمومی شکل می‌گیرد؛ خطایی که در آن منافع مقطعی جایگزین ملاحظات کلان و آینده‌ساز می‌شود.

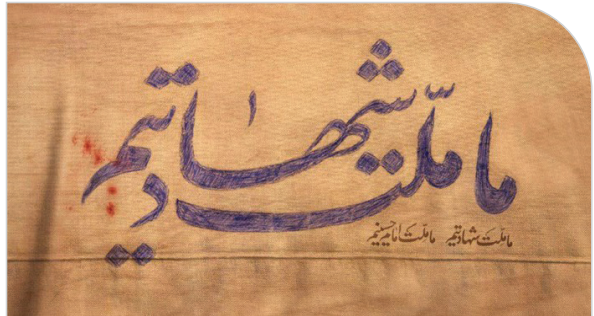
واقعیت آن است که اثرات اقتصادی بسیاری از جنگ‌ها قابل مدیریت است. دولت‌ها و جوامع با استفاده از ابزارهای تنظیمی، سیاست‌های حمایتی و سازوکارهای تاب‌آوری اقتصادی می‌توانند فشارهای مقطعی را کنترل کنند. آنچه تعیین‌کننده‌تر است، نتیجه نهایی جنگ و موقعیت راهبردی‌ای است که پس از آن برای کشور شکل می‌گیرد. جوامعی که در بزنگاه‌های حساس، افق بلندمدت را بر ملاحظات مقطعی ترجیح داده‌اند، در نهایت از موقعیت اقتصادی و سیاسی باثبات‌تری برخوردار شده‌اند.

از این منظر، ترس افکنی گسترده درباره معیشت، بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های مدیریت اقتصادی و بدون توجه به پیامدهای بلندمدت، نه تنها کمکی به تصمیم‌گیری عقلانی نمی‌کند، بلکه می‌تواند جامعه را از درک اهمیت لحظه‌های سرنوشت‌ساز باز دارد. چنین رویکردی عملاً به جای تقویت توان تصمیم‌گیری جمعی، افق نگاه جامعه را به سطحی کوتاه و محدود تقلیل می‌دهد.

هر جامعه‌ای در برخی مقاطع تاریخی ناگزیر است میان «هزینه‌های کوتاه‌مدت» و «دستاوردهای بلندمدت» انتخاب کند. عقلانیت راهبردی ایجاب می‌کند که در این انتخاب، تصویر آینده و پیامدهای پایدار آن در مرکز توجه قرار گیرد. زیرا تعویض دستاوردهای بزرگ و پایدار با منافع مقطعی، می‌تواند هزینه‌هایی به مراتب سنگین‌تر برای نسل‌های آینده به همراه داشته باشد.

## شجاعت ملت ایران برآمده از معنویت و عرفان مردمان این سرزمین است.

برای فهم فرهنگ جامعه ایرانی، باید از سطح رفتارهای روزمره فراتر رفت و به لایه‌های عمیق تاریخی، معنوی و تمدنی این سرزمین توجه کرد. فرهنگ ایرانی یک «جهان معنایی» ریشه‌دار است که در آن مفاهیمی چون کرامت، عدالت، ایثار، آزادی و حقیقت‌طلبی جایگاهی محوری



دارند. در این منظومه فرهنگی، انسان ایرانی خود را در نسبت با امر قدسی، مسئولیت اخلاقی و آرمان جمعی معنا می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این فرهنگ، پیوند عمیق آن با سنت معنویت و عرفان است. عرفان ایرانی، چه در صورت ادبی و چه در قالب زیست اجتماعی، همواره انسان را به عبور از ترس، خودخواهی و دلبستگی‌های محدود دعوت کرده است. در چنین افقی، شجاعت تجلی نوعی خودآگاهی معنوی است؛ خودآگاهی‌ای که مرگ را پایان معنا نمی‌بیند و رنج را در افق حقیقت و عدالت تفسیر می‌کند. از همین رو، در بطن فرهنگ ایرانی، «شهادت» به مثابه نماد انتخاب آگاهانه کرامت بر ذلت فهم می‌شود و اسارت، پیش از آنکه وضعیتی جسمانی باشد، نوعی شکست معنوی تلقی می‌گردد.

این بنیان فرهنگی سبب شده است که ملت ایران در بزنگاه‌های تاریخی، ظرفیت کم‌نظیری برای پایداری و مقاومت از خود نشان دهد. ملتی که سرمایه نمادین آن بر عرفان، ایمان، حماسه و حافظه تاریخی استوار است، به سادگی با تهدید و ارباب از میدان خارج نمی‌شود. زیرا ترس زمانی کارآمد است که انسان، هستی خود را تنها در ساحت مادی و منفعت فردی خلاصه کند؛ حال آنکه در فرهنگ ایرانی، زندگی با عدالت، شرف و مسئولیت جمعی پیوند خورده است.

شجاعت ملت ایران برآمده از عمق فرهنگی این جامعه است. همین عمق است که نشان می‌دهد این ملت را نمی‌توان برای منصرف کردن از آرمان ساختن جهانی عادلانه‌تر، به آسانی ترساند؛ زیرا ریشه‌های ایستادگی آن در جان فرهنگ، تاریخ و معنویت این سرزمین تنیده شده است.

## ایمان به نصرت الهی، سرچشمه جوشان شجاعت و

### رمز غالبه بر بحران هاست.

در منطق قرآن کریم، ایمان راستین به خداوند قوی و وعده‌های تخلف‌ناپذیر او، چنان شجاعتی در وجود انسان می‌آفریند که کوه‌های سهمگین بحران و تهدید نیز نمی‌توانند لرزه‌ای بر اراده او بیندازند. انسانی که به قدرت بی‌نهایت الهی متصل می‌شود، در تاریک‌ترین میدان‌ها، نور امید و نصرت را می‌بیند و هرگز تسلیم ناامیدی نمی‌گردد.

جلوه بی‌نظیر این شجاعت را می‌توان در رویارویی ساحران با فرعون مشاهده کرد. هنگامی که حقیقت بر آنان آشکار شد و به پروردگار ایمان آوردند، فرعون آنان را به شکنجه‌های سخت و به صلیب کشیده شدن تهدید کرد. اما ایمان، چنان قلب‌هایشان را مستحکم کرده بود که بی‌هیچ ترسی فریاد زدند: «فَأَقْصَىٰ مَا أُنْتُ قَاضٍ» (هر حکمی می‌خواهی بکن، تو تنها در این زندگی دنیا می‌توانی حکم برانی). این همان روحیه‌ای است که مؤمنان راستین در نبرد احزاب از خود نشان دادند. وقتی سپاهیان کفر از هر سو مدینه را محاصره کردند، نه تنها هراسی به دل راه ندادند، بلکه با دیدن انبوه دشمنان، بریقینشان افزوده شد و گفتند: «هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ» و این صحنه رعب‌آور، نتیجه‌ای جز «وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» برایشان نداشت.

تاریخ تقابل حق و باطل، بارها گواه پیروزی اراده‌های مؤمن بر تجهیزات و کثرت ظاهری دشمن بوده است؛ همان‌گونه که یاران اندک اما باایمان طالوت در برابر سپاه عظیم جالوت، با تکیه بر شعار امیدبخش «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»، قله‌های پیروزی را فتح کردند. در مکتب توحید، آنجا که پای اعتماد به خدا در میان باشد، کمبود نفرات و تهدیدهای پوشالی، هرگز مانع تحقق اراده الهی و پیروزی نهایی نخواهد شد. همین ایمان بود که چنان جمله حکیمانه‌ای را بر زبان حاج قاسم سلیمانی جاری ساخت که: «میزان فرصتی که در بحران‌ها وجود دارد، در خود فرصت‌ها نیست. به شرطی که نترسیم و نترسانیم.» آری این پیام خداست به همه ما در این میدان نبرد: «قُلْنَا لَا تَحْزَنْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ»... فقط کافی است که بمانیم و بجنگیم...